

بررسی نقش تحریم‌های آینده نفتی آمریکا در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله با آن

مهدی یدالهی^۱ ایرج دلیری^۲ کامل کیانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

صفحه ۱۲۴-۱۰۱

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی شرق استان تهران

سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۷

چکیده

نفت به عنوان رگه‌های اقتصاد ایران محسوب می‌شود. در واقع اقتصاد ایران است اقتصادی وابسته به نفت می‌باشد. به همین دلیل نوسانات در تولید، صادرات و قیمت نفت، باعث می‌شود که شاخص‌های اقتصادی به شدت جابجا شوند و از این نوسانات تأثیر بپذیرند. پس از انقلاب اسلامی ایران، تحریم‌های زیادی از سوی آمریکا بر ایران وارد شده است. یکی از عمده‌ترین این تحریم‌ها، تحریم نفتی است که اخیراً از سوی دولت آمریکا بر صنعت ایران وارد شده است. در این مقاله سعی می‌شود پس از بیان ادبیات و مبانی نظری و بیان مختصری از پیشینه‌ی پژوهش به بررسی تحریم اخیر آمریکا علیه ایران پرداخته شود و راهکارهای مقابله با این تحریم ارائه گردد.

کلمات کلیدی: تحریم، نفت، اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای مقابله

۱- استادیار دانشگاه پیام نور مرکز دماوند

۲ کارشناسی راهور دانشگاه علوم انتظامی امین

۳ کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

ایران از جمله تولید و صادرکنندگان بزرگ نفت خام به شمار می‌رود. این کشور با دارا بودن بخش عظیمی از ذخایر جهانی نفت و به عنوان یک تولید کننده تأثرگذار، هم روی بازار جهانی این کالا مؤثر است و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. این کشور وابستگی شدیدی به درآمد نفتی دارد. درآمدها حاصل از تولید و صدور نفت، سهم عمده‌ای از بودجه عمومی دولت داشته و به طور غیرمستقیم بر فعالیتهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد (مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۹۱).

از جمله اقداماتی که اتحادیه اروپا و آمریکا، به کرات در سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار می‌دهد، تحریم می‌باشد. اتحادیه اروپا و آمریکا از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار، جهت تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف بهره می‌گیرند (امین‌زاده و خداپرست، ۱۳۹۱).

در این حالت، کشور بزرگ و صاحب نفوذ در دنیای سیاست و اقتصاد قادر خواهد بود با اعمال محدودیت بر روی اقتصادی کوچک تر و صاحب نفوذ کمتر از خود، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی بر کشور کوچک تر تحمیل کند و این وضعیت در صورت همراهی سایر بازیگران مهم اقتصادی و سیاسی جهان با کشور بزرگ تحریم‌کننده، ابعاد جدیدتری به خود می‌گیرد؛ همان وضعیتی که در مورد تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد ایران متصور است (سلمانی و عزتی، ۱۳۹۳).

در این تحقیق پس از مرور ادبیات و مبانی نظری پژوهش و بیان پیشینه‌ی پژوهش، در بحث و نتیجه‌گیری به بررسی نقش تحریم‌های آینده نفتی ایران در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود و راهکارهای مقابله با تحریم با استفاده از رویکردی کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری تحریم

تحریم

تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر برده و وارد عمل می‌کند (ایلر^۴، ۲۰۱۷). نهاد تحریم‌کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور مانند آمریکا و یا یک سازمان بین‌المللی مانند سازمان ملل باشد. کشور

^۴ Eylar

هدف، کشوری است که مستقیماً مورد اعمال سیاست های تحریم واقع می شود و منظور از اهداف سیاست خارجی نیز، تغییر رفتارهای سیاسی کشور هدف است که کشور تحریم کننده به طور صریح یا ضمنی در پی آن است (هافبوبر^۵ و همکاران، ۲۰۱۷).

در ادبیات تحریم، به طور معمول تحریم های اقتصادی به دو گروه منفی و مثبت تقسیم می شوند، بدین گونه که تحریم های اقتصادی منفی به مثابه بهترین ابزارهای اقتصادی با هدف ضربه اقتصادی به یک یا چند کشور استفاده شده و تحریم های اقتصادی مثبت نیز مشوقی برای همکاری های بین کشوری تلقی می شود. در این بین، تحریم های اقتصادی منفی با توجه به پیامدهایی که برای کشورهای تحریم شده به دنبال دارد (مانند کاهش درجه یکپارچگی با اقتصاد جهانی) از اهمیت بیشتری برخوردار است (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۵).

تحریم به معنی اعمال محدودیت های یک دولت یا جامعه بین المللی علیه یک کشور یا یک گروه است که مهمترین نوع آن ها تحریم اقتصادی است. در حقیقت، تحریم های مذکور تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند دولت به منظور ایجاد تغییر در سیاست های آن کشور یا حداقل بازگو کننده نظر یک دولت درباره این قبیل سیاست ها می باشد. موارد تحریمی می تواند شامل بخش های مختلف از روابط میان دولت ها باشد و در حوزه اقتصادی بر روابط مالی، پولی، ارتباط های بانکی، خرید و فروش کالا و خدمات حاکم شود. هم چنین تحریم ها حوزه هایی چون سرمایه گذاری، انتقال دانش و فن آوری، ورزشی (برگزاری مسابقه های ورزشی، شرکت ورزش کاران در مسابقه های بین المللی، جهانی و المپیک) سیاسی و حاکمیتی (ورود و فعالیت در سازمان ها و کنفرانس های بین المللی و روابط با اشخاص حقوق بین الملل)، آموزشی (ثبت نام و پذیرش دانشجویان، برگزاری دوره های خاص در حوزه های مختلف) دولت هدف را مورد ممنوعیت و محدودیت قرار می دهد.

منظور از تحریم های یک جانبه، محدودیت ها و ممنوعیت هایی است که یک دولت بر دولت یا دولت هایی وضع می کند. در این فرآیند، دولت ها جدا از قطعنامه های شورای امنیت به محدودیت یا قطع روابط با دیگر دولت ها مبادرت می ورزند نظیر " تحریم نفتی ایران توسط انگلستان در دوره ی دکتر مصدق " که از شاخص ترین موارد تحریم

^۵ Huffbauer

اقتصادی در جهان می‌باشد منظور از تحریم‌های چندجانبه (بین‌المللی) تحریم‌هایی است که دولت‌ها در قالب تصمیم جمعی یا شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس ماده‌ی ۴۱ منشور یا مانند اتحادیه‌ی اروپا بر دولت یا دولت‌هایی وضع می‌کنند (آل کجیاف و انصاریان، ۱۳۹۳).

انواع تحریم

در یک نگاه کلی، تحریم‌ها از منظر شدت و سطح اعمال تحریم‌ها به همه‌جانبه، هدفمند یا هوشمند، اولیه یا ابتدایی و ثانویه تقسیم می‌شود.

۱. **تحریم همه‌جانبه:** در این نوع از تحریم‌ها معافیت‌های بشردوستانه در نظر گرفته نمی‌شود؛ کلیه‌ی کالاها و خدمات مورد نیاز مردم کشور هدف مورد تحریم قرار می‌گیرد.

۲. **تحریم هدفمند یا هوشمند:** در این نوع از تحریم، اشخاص حقیقی یا حقوقی دولتی و غیردولتی که منشا رفتارهای دولتی می‌باشند مورد نظر هستند که با ملاحظات انسان‌دوستانه مورد تحریم قرار می‌گیرند. شورای امنیت می‌تواند با اعمال تحریم‌های هوشمند جهت جلوگیری از جریان آزاد منابع مالی، منابع طبیعی و تسلیحات اقدام نماید

۳. **تحریم اولیه یا ابتدایی:** این نوع از تحریم‌ها تنها به محدودیت در روابط بین دو کشور مربوط می‌شود.

۴. **تحریم ثانویه:** در صورتی که تحریم‌کننده بر دولت‌هایی که با کشور مورد تحریم به ایجاد رابطه مبادرت ورزیدند محدودیت و ممنوعیت اعمال نماید تحریم ثانویه صورت می‌گیرد (نهایندیان و همکاران، ۱۳۹۰).

روش‌های تحلیل تأثیر تحریم بر اقتصاد

در مطالعات مختلف، روش‌های متنوعی برای تحلیل و تخمین تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کل اقتصاد و یا تجارت و رشد اقتصادی به کار رفته‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مدل مازاد مصرف‌کننده، مدل جاذبه، روش منحنی پیشنهاد در تجارت، مدل نظری هباز یها و مدل انتخاب عمومی (تحریم‌های هوشمند).

الف) مدل مازاد مصرف‌کننده: در این مدل، با استفاده از مفهوم مازاد مصرف‌کننده و رفاه اجتماعی، تأثیر مالیات بر صادرات و واردات بررسی می‌شود. چنین روشی را

هافبائر و اسکات برای تخمین هزینه تحریم های اقتصادی به کار برده اند. البته تفاوتی جزئی میان تحریم های مالی و تجاری وجود دارد. تحریم های تجاری (مانند تحریم صادرات به کشور هدف و یا تحریم واردات از کشور هدف) باعث تغییر مستقیم میزان تولید می شود، و با محدود شدن بازار فروش و یا محدود شدن بازار خرید، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و کاهش می دهد. اما تحریم های مالی، جریان وجوهات مالی و سرمایه به داخل کشور را هدف قرار داده و با محدود کردن آن در بازار سرمایه، تأمین مالی بنگاه های داخلی را سخت تر کرده و نرخ بهره واقعی افزایش می یابد. همین امر، علاوه بر کاهش تولید (به واسطه کاهش سرمایه گذاری ها و وام های خارجی)، موجب کاهش تولید به واسطه کاهش سرمایه گذاری به دلیل افزایش هزینه های سرمایه گذاری (نرخ بهره) می شود. بنابراین، تحلیل آن اندکی متفاوت بوده و معمولاً هنگام تحلیل به این موضوع توجه می شود.

ب) مدل جاذبه: برای تحلیل اثرات تحریم های اقتصادی بر تجارت کشور هدف، نه فقط روابط تجاری با کشور تحریم کننده، بلکه کل روابط تجاری کشور هدف، از "مدل جاذبه" استفاده می شود. اگرچه محدود ساختن تجارت کشور هدف معمولاً هدف اولیه تحریم نیست، اما یکی از نتایج محقق شده است. اساس مدل جاذبه بر این پایه استوار است که تعاملات اقتصادی میان دو کشور متناسب با اندازه آن دو و دارای نسبت عکس با فاصله میان شان باشد. این مدل ها قدرت تبیین تجربی بالایی دارند. تأثیر فاصله زیاد بوده و با گذشت زمان نیز کاهش نمی یابد و نظام تعاملاتی که از این روابط دو طرفه نتیجه می شود، ساختار فضایی اقتصاد را شکل می دهد. این مدل، در واقع استعاره وام-گرفته ای از مکانیک نیوتنی است که براساس آن، مقدار جاذبه میان دو جسم، رابطه ای مستقیم با جرم آنها و رابطه ای عکس با فاصله شان دارد. همچنین، رویکردهای تجربی متفاوتی نیز برای حل مسائل اقتصادسنجی مرتبط با این چارچوب های پیچیده پیشنهاد شده اند

پ) روش منحنی پیشنهاد در تجارت: منحنی پیشنهاد، نشانگر رضایتمندی یک کشور برای تجارت برحسب رابطه مبادله است که توسط کامپفر و لوئبرگ ارائه شده است. این منحنی نشان می دهد کشور مورد نظر در ازای مقادیر مختلف کالای وارداتی مورد نیاز خود حاضر است چه مقدار کالا صادر کند. این رویکرد به بررسی پیامدهای

تحریم تجاری پرداخته، اثرات تحریم بر رابطه مبادله کشور هدف با کشور تحریم‌کننده را تحلیل کرده و همچنین اثرات رفاهی تحریم را نیز نشان می‌دهد.

ت) مدل‌های نظریه بازی: مدل‌های نظریه بازی توصیف‌کننده انتخاب‌های استراتژیک طرفین در روابط اقتصادی و سیاسی بوده و برای تحلیل تحریم‌های اقتصادی بسیار بصیرت‌بخش‌اند. منافع یا عواید خالص انتظاری در طول بازی تحریم تغییر می‌کنند، و تصمیم‌گیری در هر دو طرف می‌تواند قبل و حین بازی تغییر یابد. همچنین، این مدل‌ها تبیینی از نتایج حاصل از همکاری در مقابل نتایج حاصل از رقابت در شرایط نا اطمینانی را فراهم می‌آورند. نتایج حاصل از همکاری هنگامی که استراتژی اتخاذ شده توسط یک طرف، مشروط به استراتژی اتخاذ شده طرف دیگر باشد (یا اصطلاحاً تعادل نش)، تبیین‌کننده تصمیمات استراتژیک اقتصادی است. این بستر همکاری، موجب فراتر رفتن تصمیمات کشور تحریم‌کننده از وضعیت فعلی و در نظر گرفتن تصمیمات سایر کشورها در قدرت نفوذ و اجبار کشور تحریم‌کننده می‌شود

ث) مدل‌های انتخاب عمومی (تحریم‌های هوشمند): تحریم‌ها در جهان به عنوان ابزارهای دیپلماتیک دلبه‌ای فرض می‌شوند که بالقوه هم به شهروندان بیگانه یک کشور آسیب می‌رسانند و هم به دولت آن کشور. در واقع، شهروندان بیگانه نیز برای رفتار سیاسی دولتشان جریمه می‌شوند. سیاست‌گذاری تحریم‌های اقتصادی نیز در پی اثرگذاری از طریق همین تضییع حقوق شهروندان است تا انگیزه‌ای برای شهروندان کشور هدف فراهم آورده و خواستار تغییر سیاست دولت شوند. همچنین، تحریم‌ها همزمان می‌کوشند با ترغیب گروه‌های ذینفع در کشور هدف، آنها را علیه سیاست‌ها و رهبران کشورشان در قالب فرایندهای سیاسی با اعمال خشونت‌آمیز بشورانند. کامفپر و لوتنبرگ بر نظریه انتخاب عمومی در مبحث سیاست‌گذاری اقتصادی تمرکز کرده و معتقدند گروه‌های ذینفع کشور تحریم‌کننده بر تصمیمات در مورد شروع، ادامه و پایان تحریم اثر می‌گذارند، به نحوی که گویی بازاری برای تحریم وجود دارد. این بازار تحریم ممکن است در کشور هدف نیز وجود داشته باشد (آل کجباغ و انصاریان، ۱۳۹۳).

اثر تحریم‌ها بر ساختار تجارت خارجی

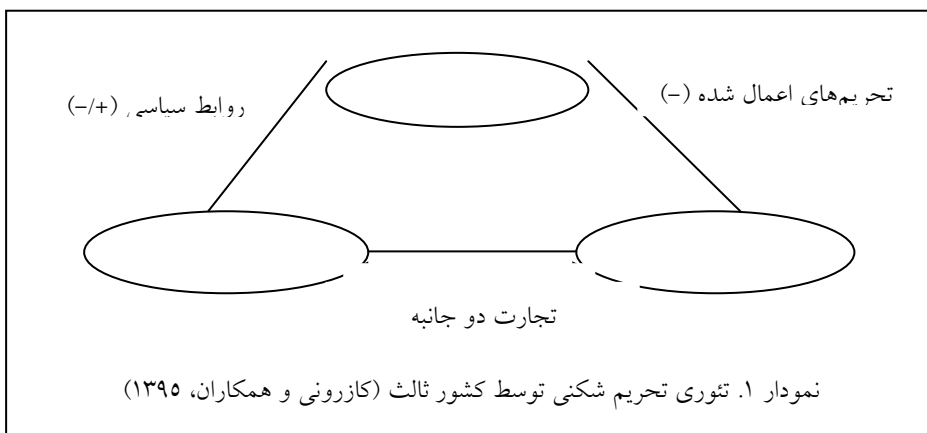
اثرات رفاهی تحریم‌های تجاری علاوه بر کشش تابع عرضه و تقاضای داخلی برای صادرات و واردات کشور هدف، به تغییر در مقدار واردات و صادرات کاهش‌یافته بر اثر

اعمال تحریم‌ها نیز بستگی دارد. معمولاً تحریم‌ها توسط همه شرکای تجاری اعمال نشده و تمام کالاهای تجاری کشور هدف را نیز پوشش نمی‌دهد. بنابراین، ممکن است تحریم‌ها به خودکفایی کشور هدف ختم شده و در کل، اثر تحریم‌ها به سهم تجاری کشور هدف به بقیه جهان بستگی دارد. معمولاً چند کشور وجود دارند که کالاهای تجاری کشور هدف را تولید کرده و منبعی جایگزین برای تقاضای واردات کشور تحریم-شده محسوب می‌شوند که کشور هدف می‌تواند با کمی هزینه بیشتر، کالای مورد نیاز را وارد کند؛ به همین دلیل، تحریم‌های یک‌جانبه به احتمال زیاد خسارت کمتری به کشور هدف وارد می‌کنند (ضیائی و همکاران، ۱۳۹۲).

تئوری تحریم‌شکنی توسط کشور ثالث

سیر صعودی به کارگیری تحریم‌های اقتصادی پس از دوره جنگ سرد، موجب پیدایش بحث‌های بسیاری درباره میزان اثربخشی آنها شده است. یکی از علل اساسی شکست تحریم‌های اقتصادی، تحریم شکنی کشورهای تحریم شده است. در بیش تر موارد، تحریم شکنی نه تنها باعث تغییر رفتار تحریم شونده نمی‌شود، بلکه برای گروهی از افراد و گروه‌های داخل کشور، مشوق‌هایی ایجاد می‌کند تا با استفاده از شرایط حاکم به سودهای کلانی دست یافته و در واقع، نفع خود را در ادامه تحریم‌ها ببینند (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۵).

در یک سناریوی تحریم شکنی، سه بازیگر در عرصه بین المللی نقش دارند که روابط آنها در امر تحریم شکنی در نمودار (۱) نشان داده شده است.



بسته به عواملی همچون رابطه سیاسی بازیگران تحری مشکنی و میزان تجارت دوجانبه آنها، می توان به رفتارشناسی بازیگران تحریم شکنی پرداخت. در ادبیات پژوهش تحریم، دو تئوری برای توصیف این رفتار وجود دارد که عبارتند از تئوری واقع گرایانه و تئوری لیبرال. هر دو تئوری، توضیحات قانع کننده‌ای برای رفتارشناسی تحریم شکنی ارائه می دهند که توسط شواهد تجربی نیز تأیید می شود. در کل، هم عوامل سیاسی و هم عوامل اقتصادی، نقشی حیاتی در موضع گیری کشور ثالث در برابر اعمال تحریم ها دارند. درمورد تأثیر تحریم های یک جانبه بر تحریم شکنی نیز دو دیدگاه رقیب وجود دارد: نخست، دیدگاه "تحریم شکنی" که براساس آن، تحریم های یک جانبه تحریم شونده را ترغیب می کند تا با استفاده از حربه های تحریم شکنی، مناسبات اقتصادی خود با کشورهای ثالث را تقویت کند. دوم، دیدگاه "آثار منفی سرریز شدن" که برخلاف دیدگاه تحریم شکنی است، به این معنا که تحریم های یک جانبه نه تنها رابطه تحریم-شونده با کشورهای ثالث را تقویت نمی کند، بلکه به مختل شدن روابط آنها ختم می-شود (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۵).

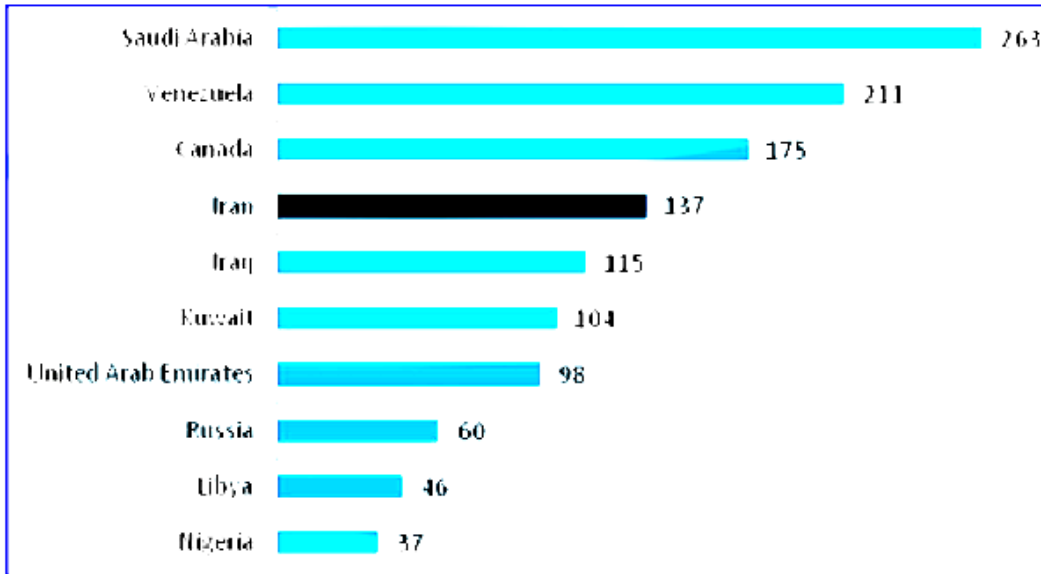
نفت

تولید نفت در ایران قدمتی صد ساله دارد. در طول این مدت ایران همواره به عنوان یکی از قطب های مهم تولید انرژی مورد توجه بوده است. به ویژه آن که تولید نفت در ایران به ابتکار سرمایه گذاری خارجی شروع شد. اما ورود این سرمایه گذاران به لحاظ سابقه سرمایه گذاری انگلیس در ایران بوده است چندان به مذاق مردم خوش نبوده است. به هر رو قراردادهای نفتی به عنوان مجوز ورود این سرمایه گذاران برای ورود به بازار نفت ایران همواره دچار تغییرات و چالش های زیادی بوده است. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بار دیگر قراردادهای نفتی به عنوان نشانه حضور استعمار در ایران مورد حمله واقع شد و به موجب لایحه قانونی راجع به تشکیل کمیسیون خاص در مورد قراردادهای نفتی مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۱۸ کلیه قراردادهای نفتی با شرکت های خارجی کان لم یکن اعلام شد. نهایتاً بعد از جنگ تحمیلی بار دیگر اولین قرارداد بیع متقابل ۱ در سال ۱۳۷۴ برای توسعه میادین نفتی دایر امضاء شد و بدین ترتیب شرکت های نفتی چند ملیتی مجدداً به بازار نفت ایران وارد شدند.

وجود فضای رقابتی در عرضه نفت موجب شده است که شرکت های نفتی سعی کنند هزینه عملیات خود را به حداقل برسانند و تولید را به سطحی افزایش دهند که حداکثر بازدهی نسبت به سرمایه گذاری های انجام شده به دست آید. گرایش به افزایش تولید در حوزه هایی که هزینه تولید در آن ها پایین تر است به مراتب بیش از حوزه هایی است که هزینه تولید بالاتری دارند. معمولاً در طولانی مدت، قیمت نفت با توجه به هزینه تولید در حوزه هایی که حداکثر هزینه را دارند تعیین می شود. بنابراین سود حاصل از تولیدات در حوزه هایی که هزینه تولید پایین تری دارند به مراتب بیشتر خواهد بود و منطقیاً باید انتظار داشت که سرمایه گذاران گرایش بیشتری به سرمایه گذاری در این حوزه ها داشته باشند. حوزه خلیج فارس با کمترین هزینه عملیاتی تولید، بالاترین ذخایر نفت خام جهان را داراست، به گونه ای که بیش از ۶۴ درصد ذخایر اثبات شده نفت خام جهان در حوزه خلیج فارس قرار دارد (درخشان، ۱۳۹۰).

بخش نفت در ایران

با استناد به مجله نفت و گاز (ژانویه ۲۰۱۱)، ایران با دارا بودن ۱۳۷ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت که ۹/۳ درصد از کل ذخایر دنیا محسوب می شود، پس از عربستان، ونزوئلا و کانادا ۱ چهارمین دارنده ذخایر اثبات شده نفت دنیا محسوب می شود. ایران در حدود ۱۲ درصد از ذخایر فعلی اوپک را دارا است. در ژوئیه ۲۰۱۱، اوپک بولتن سالیانه آماری سال ۲۰۱۰ خود را منتشر نمود که بر اساس آن ذخایر اثبات شده ایران به ۱۵۱ میلیارد بشکه بالغ گردیده است. در میان کشورهای عضو اوپک، ایران دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام پس از عربستان سعودی محسوب می شود. در سال ۲۰۱۱، ایران تولیدی در حدود ۳/۶ میلیون بشکه نفت خام در روز داشته است. ایران دارای ۴۰ میدان در حال تولید است که از این تعداد، ۲۷ میدان ساحلی و ۱۳ میدان فراساحلی است. بیش از ۵۰ درصد از ذخایر در ۶ میدان عظیم قرار دارد، در حدود ۸۵ درصد از ذخایر ساحلی نفت خام ایران در جنوب غربی حوزه خوزستان نزدیک مرز عراق قرار دارد (اژدری و حسین زاده، ۱۳۹۲).



نمودار ۱. بزرگترین ذخایر اثبات شده نفت جهان (میلیارد بشکه)، ۲۰۱۱ (منبع: Oil and Gas Journal, ۲۰۱۱)

تاریخچه تحریم‌ها - قانون تحریم های ایران^۶ (ISA)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، ابزار تحریم به کرات علیه ایران از سوی ایالات متحده مورد استفاده قرار گرفته که اولین مورد آن پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران بود. تحریم های آمریکا که در ابتدا قانون تحریم های ایران و لیبی نامیده می شد، در ظاهر به منظور ممانعت از گسترش برنامه های هسته ای ایران و حمایت از سازمان های تروریستی وضع گردید اما اهداف گسترده تری را دنبال می کند. قانون تحریم های ایران یکی از تحریم های بی شمار ایالات متحده بر علیه ایران می باشد که در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید. پس از اجرای اولیه آن، توجهات زیادی را به دلیل "تحریم مافوق ارضی" بودن به خود جلب نمود - این قانون مجازات های ایالات متحده بر علیه شرکت هایی که بسیاری از آن ها متعلق به هم پیمانان ایالات متحده بودند را شامل می شد. قانونی که در صد و یازدهمین جلسه کنگره می شد. قانونی که در صد و یازدهمین جلسه کنگره رسید، مصوب نمود که ISA انواع مختلف دیگری از فعالیت ها را از جمله خدمات و تجهیزات فروش و تولید بنزین به ایران و محدودیت روابط بین المللی بانکی با ایران را شامل شود (صیادی و برکشلی، ۱۳۹۱).

^۶ Iran Sanctions Act

تحریم های نفتی علیه ایران

گسترده‌گی بخش نفت و گاز ایران، وابستگی تکنولوژیکی به فناوری های نوین اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز و نیاز مبرم کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز سبب گردیده است تا این بخش به عنوان بخشی کلیدی برای مؤثرتر کردن تحریم‌ها از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گیرد.

تحریم هایی که بخش نفت و گاز ایران را نشانه گرفته مجازات هایی را برای شرکت هایی که به طرق مختلف به توسعه فعالیت های مختلف صنعت نفت و گاز ایران کمک نمایند در نظر گرفته است. مطابق با تحری مه‌ای مذکور، تخطی از مقررات CISADA^Y مجازات هایی را علیه شرک تها و افرادی به همراه خواهد داشت که:

۲۰ میلیون دلار و یا بیشتر را طی یک دوره ۱۲ ماهه سرمایه گذاری نمایند که این سرمایه گذاری به توانایی ایران برای توسعه منابع نفتی خود بیافزاید. منابع نفتی نیز شامل نفت، محصولات نفتی پالایش شده، تانکرهای نفت یا گاز طبیعی مایع شده و محصولاتی می شود که برای ساخت یا حفاظت از خطوط لوله که در حمل و نقل کلیه محصولات نفتی بکار می رود.

به فراهم سازی، فروش محصولات نفتی پالایشی به ایران با ارزش ۱ میلیون دلار در هر قرارداد (یا ۵ میلیون دلار طی دوره ۱۲ ماهه) مبادرت ورزند. محصولات پالایشی شامل سوخت جت، بنزین و بنزین هواپیما می باشد. به فراهم سازی، فروش و یا اجاره کالاها، خدمات یا سایر حمایت هایی که به حفظ یا گسترش ظرفیت های پالایشی ایران کمک نماید مبادرت ورزند. همچنین مطابق با بند ۲۳ تحریم های اتخاذ شده توسط اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۱۰، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز بایستی فروش، عرضه و یا انتقال هر گونه تجهیزات و فناوری های کلیدی و همچنین کمک های تخصصی و مالی که می تواند در بخش های کلیدی صنعت نفت و گاز طبیعی ایران مورد استفاده قرار گیرد را ممنوع نمایند. در عین حال کشورهای عضو باید ه ر گونه سرمایه گذاری های جدید در بخش های مذکور ایران را ممنوع نمایند (صیادی و برکشلی، ۱۳۹۱).

^Y Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

هدف از این مقاله علاوه بر بررسی تحریم های ظالمانه نفتی علیه ایران اسلامی، بررسی راهکارهای مقابله با این تحریم ها میباشد که در ادامه علاوه بر ارائه راهکارها، بخشی از منویات رهبر معظم انقلاب نیز آورده شده که قطعاً راهگشا خواهد بود.

راهکارهای مقابله با تحریم های نفتی آینده:

ایران قطعاً باید به دنبال روش های جدید برای مقابله با این تحریم ها باشد. برخی از این روش ها و شرایط اثرگذاری آنها به شرح زیر است:^۱

۱- سهولت اجرا: یکی از ویژگی های لازم برای طراحی یک روش مناسب مقابله با تحریم های نفتی، سهولت اجرای آن است. ناگفته پیداست که هزینه اجرای روش مقابله با تحریم، بسته به میزان سختی اجرای آن تغییر می کند.

۲- قابلیت بالای نقد شونددگی درآمد نفتی: هدف اصلی از اعمال تحریم های نفتی علیه ایران، محدود کردن منابع مالی کشور به منظور ایجاد فشار اقتصادی علیه ایران است. از این رو لازم است برای مقابله با تحریم به فکر روشی با حداکثر نقدشوندگی درآمد نفتی بود.

۳- احتمال پایین ایجاد فساد و رانت: این موضوع یکی از مهمترین ویژگی های لازم برای طراحی روش مقابله با تحریم های نفتی است زیرا یکی از مهمترین نقاط ضعف روش های بی اثر کردن تحریم در دوره گذشته، فسادزا بودن آنها بود و همین امر، مسئولان کشور را در انتخاب راهبرد مناسب برای مقابله با تحریم های پیش رو دچار تردید کرده است. همچنین یکی از ویژگی های کلیدی روش مقابله با تحریم های نفتی آمریکا که نسبتاً سخت هم هست، باید این موضوع باشد که هم برای ایران شفاف و قابل پیگیری و هم برای آمریکا پنهان و غیرقابل پیگیری باشد.

در واقع، تجمیع تمام شرایط فوق در یک سازوکار فروش نفت، صورت مسئله کنونی مقامات کشور برای شرایط پیش رو است. بررسی های صورت گرفته نشان می دهد که «فروش نفت به بخش غیردولتی در بورس» بهترین روش موجود است، روشی که اخیراً مورد توجه مجلس و دولت قرار گرفته و حتی اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور صراحتاً بر ضرورت استفاده از آن تاکید کرده است. مهمترین ویژگی های فروش ریالی نفت به بخش غیردولتی در بورس عبارتست از:

^۱ <https://www.mehrnews.com>

الف- نقدشوندگی حداکثری با فروش ریالی در بورس: تسویه ریالی وجه معامله در بستری خارج از نظام بانکی بین المللی، علاوه بر ایجاد جذابیت از طریق سهولت در پرداخت، دغدغه بلوکه شدن منابع حاصله را مرتفع و حداکثر نقدشوندگی ممکن را نصیب کشور خواهد کرد.

ب- کسب بیشترین درآمد ممکن از طریق سازوکار رقابتی بورس: با توجه به فضای رقابتی حاکم بر بورس، دستیابی به بیشترین قیمت ممکن در این بستر به راحتی امکان پذیر بوده و با این کار از ارائه تخفیف های بالا به بهانه دور زدن تحریم جلوگیری می شود.

ج- جلوگیری از ایجاد فساد و رانت با شفافیت مدیریت شده سازوکار: بخش غیردولتی از طریق کارگزاران و واسطه هایی در بورس به خرید نفت خام در بورس می پردازد و سپس با استفاده از سازوکارهای مناسب به فروش آن در بازارهای بین المللی می پردازد. در این وضعیت، شناسایی خریدار نفت ایران در بورس برای نهادهای نظارتی کشور به آسانی میسر و در عوض برای آمریکا تقریباً غیرممکن است.

۴- سرمایه گذاری بر روی انرژی های پاک و تجدید پذیر و فراهم سازی زمینه حضور بخش خصوصی:

ایران، با توجه به موقعیت ممتاز خود از نظر جغرافیایی در آینده نزدیک بهشت سرمایه گذاران برای توسعه انرژی های نو و تجدید پذیر (نظیر انرژی های خورشیدی، بادی و دریایی) می شود ایران به دلیل قرار داشتن در منطقه جغرافیایی با طول و عرض تقریباً برابر، بدون تردید یکی از منحصربه فردترین کشورهای جهان برای استفاده از انواع انرژی های نو و تجدید پذیر به شمار می رود. کارشناسان انرژی بر این اعتقادند که انرژی های نو در ادامه قرن بیست و یکم باید جایگزین منابع معمول انرژی مانند نفت و گاز شوند. تجربه نشان داده که حضور دولتها در تولید انرژی های تجدید پذیر توجیهی ندارد و هرچند که دولت زیرساخت های لازم را برای توسعه این بخش فراهم کرده است، اما در ادامه، کار باید به بخش خصوصی محول شود و به این منظور با تدوین برنامه های لازم باید زمینه ای فراهم شود که بخش خصوصی توجیه اقتصادی لازم را برای حضور در آن داشته باشد. به گزارش ایسنا و به نقل از بلومبرگ، براساس گزارش جدید منتشر شده از شرکت تحقیقات انرژی "اورورا (Aurora Energy Research)" بر مبنای

بازار انرژی در بریتانیا، توسعه فناوری‌های سبز مانند وسایل نقلیه الکتریکی و انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، نیازهای سوخت فسیلی را کاهش خواهد داد. به طوری که درآمدهای تجمیعی از این منابع انرژی آلاینده، از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۴۰ حدود ۲۱ تریلیون دلار کمتر خواهد شد.

راهکار رهبر انقلاب برای مقابله با تحریم‌های نفتی^۹

رهبرانقلاب از سال ۷۳ تا کنون بارها به دولت‌های مختلف نسبت به کاهش میزان وابستگی به درآمدهای نفتی توصیه کرده و هشدار دادند که اگر به این توصیه‌ها عمل می‌شد اهرم فشار بر کشور از بین می‌رفت.

یکی از مواردی که ایشان در دیدارها و بیاناتشان به دفعات به آن اشاره کرده و حتی گفته بودند همیشه به آن فکر می‌کنند، پیدا کردن جایگزین برای درآمدهای نفتی است. در همین زمینه در دیداری که ایشان با هیئت دولت در شهریورماه سال ۱۳۹۴ داشتند فرمودند:

"آنچه به من گزارش شده، ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال میکنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ در مورد معادن هم بایستی از خام‌فروشی معادن بشدت پرهیز کنیم. معادن باارزشی ما داریم. در استان کرمان یا در جنوب خراسان، سنگهای فوق‌العاده باارزشی وجود دارد. ما این سنگ را همین‌طور یک دفعه‌ای بکنیم، بفرستیم ایتالیا که آنها بعد تبدیل کنند و ارزش افزوده‌اش را چند ده برابر ببرند، احیاناً گاهی برای خود ما هم آنها را بفرستند و صادر کنند داخل کشور ما، آدم خیلی زورش می‌آید که یک چنین چیزی بشود".

پیشینه پژوهش

در این قسمت از تحقیق به مرور برخی مطالعات داخلی و خارجی در زمینه‌ی تحریم و اثرهای آن می‌پردازیم.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری به بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای عمده‌ی شریک تجاری در چارچوب الگوی جاذبه‌ی تعمیم‌یافته در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ پرداختند.

^۹ <https://www.mashregnews.ir/n>

یافته‌های این پژوهش حاکی است که تحریم‌های ضعیف تأثیر منفی کمتری بر ارزش صادرات و واردات ایران طی دوره‌ی مورد بررسی داشته است اما تحریم‌های شدید و گسترده، تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای بر میزان صادرات و واردات کالاهای تجاری ایران داشته است؛ بنابراین اقدامات انجام‌شده برای کاهش یا لغو تحریم‌های شدید علیه ایران نظیر توافقنامه‌ی هسته‌ای (برجام)، می‌تواند به رونق روابط تجاری ایران و شرکای عمده‌ی تجاری منجر شود. آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل جاذبه به ارزیابی تحریم‌های اقتصادی از حیث شدت عمل بر تجارت غیر نفتی ایران و شرکای عمده‌ی تجاری طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۱ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که تحریم‌های محدود و گسترده به ترتیب فقط در صنایع ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل و مواد شیمیایی تأثیر داشتند و در سایر بخش‌ها تأثیر زیادی نداشتند. راجی و رحیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی آثار رفع تحریم‌های اقتصادی بر صنعت دارویی ایران بیان کرد که برای بهره‌برداری از فرصت پیش‌رو در فضای پس‌برجام، باید بسترهای مناسب و مطلوب ایجاد شود. شاه‌آبادی و بهاری (۱۳۹۳) به بررسی و مقایسه‌ی متغیرهای کلان اقتصادی و وضعیت اقتصاد دانش بنیان در ایران و چین در دوران تحریم طی دوره‌ی زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۹ پرداختند. نتایج آنها نشان داده است که چین توانست تحریم‌ها را عملاً، از طریق بازار عوامل جدید تولید، اقدام به افزایش بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری، خنثی کند. ایران برخلاف چین، از لحاظ نوآوری و بازار عوامل جدید تولید وضعیت مناسبی ندارد.

عزتی و سلمانی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد به بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی طی دوره‌ی زمانی ۱۳۵۶-۱۳۹۱ پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد تحریم‌ها به صورت مستقیم اثر چندانی بر رشد اقتصادی ایران نداشته است، همچنین بیشتر تحریم‌ها اثر غیرمستقیم نیز بر اقتصاد نداشته‌اند. این آثار به صورت غیرمستقیم از طریق محدود کردن واردات کل، واردات کالاهای سرمایه‌ای، واردات کالاهای واسطه‌ای و اولیه و صادرات منجر به کاهش رشد اقتصادی کشور شده است. برای جلوگیری از اثرهای مشابه در آینده، کشور

باید به سوی اقتصادی ناوابسته به نفت و واردات حرکت کند. بخشایش و مصطفایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی آثار تحریم های اقتصادی بر دو صنعت نفت و گاز در ایران بیان کردند که تحریم های اقتصادی همواره همراه با آثار مثبت و منفی در هر کشوری خواهد بود. در عین اینکه می توان آثاری مانند خودکفایی، غیروابسته بودن، اقتصاد، خودباوری و غیره را به عنوان آثار مثبت تحریم نام برد ولی آثار فراوانی مانند گران تر شدن واردات، کاهش حجم صادرات، قاچاق و شبه قاچاق، کمبود ارز و فساد و رانت خواری از جمله آثار منفی هستند که در شرایط تحریم بیشترین ضربه و آسیب را به کشور وارد می کنند. میزان وابستگی هر بخش اقتصادی به سایر کشورها، مهمترین مولفه در تعیین میزان آسیب پذیری آن بخش در شرایط تحریم به شمار می رود. در بخش صنعت، مطمئناً صنایع مادر و صناعی که عمدتاً تکنولوژی و عوامل تولید از جمله مواد اولیه و واسطه ای خود را از سایر کشورها تامین می نمایند و همچنین صناعی که به دیگر کشورها به چشم بازار مقصد نگریسته و صادرات گرا به شمار می روند بیشترین ضربه و آسیب را از تحریم های بین المللی خواهند دید. فرانک^{۱۰} (۲۰۱۷) با استفاده از مدل جاذبه پیامدهای تجربی تحریم های تجاری را بر کشورهای مستقل و غیرمستقل، طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۶ بررسی کرد. نتایج بررسی وی نشان می دهد که تحریم ها ارزش تجارت خارجی را کاهش می دهد؛ همچنین انحراف تجاری به عنوان ابزاری بالقوه برای کاهش تأثیر منفی تحریم ها معرفی شده است اما یافته ها هیچ شواهدی برای انحراف تجاری نشان ندادند. مورت^{۱۱} (۲۰۱۴) در یک بررسی اسنادی بر پایه داده های نوشتارهای گوناگون تلاش کرده است اثرهای مغایر رفتار انسان دوستانه تحریم های اقتصادی ایران و سوریه را ارزیابی کند. او به این نتیجه می رسد که تحریم ها اثرهای منفی انسان دوستانه بسیاری بر این دو کشور داشته است. افزون برای اینگونه بررسی ها، بررسی های دیگری نیز در زمینه تحریم ها با رویکردهای دیگر انجام شده است که به بررسی ما ربط چندانی ندارد، لذا از آوردن آنها خودداری می کنیم. مؤسسه جهانی تراوش^{۱۲} (۲۰۱۳) اثر تحریم های ایران را بر بخش بهداشت و سلامت بررسی کرده است. این بررسی با روش میدانی و پرسش از چهار گروه داروخانه-

^{۱۰} Frank

^{۱۱} Moret

^{۱۲} Institute International Pour

داران، مدیران شرکت های تولیدکننده دارو، شرکت های واردکننده دارو و شرکت های پخش و نیز داروخانه آبان انجام شده است. یافته های بررسی نشان می دهد تحریم از راه کاهش دسترسی به دارو اثر زیانباری بر سلامت مردم ایران داشته است. کردسمن^{۱۳} و دیگران (۲۰۱۳) بررسی یادشده را در سال ۲۰۱۳ با افزودن داده های آماری بیشتر و تحلیل گسترده تر به روز کرده اند. این گزارش تغییر دیدگاه دولت مردان در زمینه نگاه به تحریم ها و روی آوردن به گفتگو را پیامد گسترش فشارهای تحریم ها و نگرانی های داخلی آن می داند. فراهانی و شبانی^{۱۴} (۲۰۱۳) اثر تحریم ها بر گردشگری ایران و نیز ایشان با روش آمار توصیفی داده های سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ را بررسی کرده اند. داده ها نشان می دهند که در برخی زمینه ها نرخ رشد آن نیز افزایش یافته است. هافبایر و اویج^{۱۵} (۲۰۱۳) در مطالعه ای با استفاده از مدل جاذبه، تأثیر تحریم های اقتصادی را از نظر اندازه بر تجارت دوجانبه آمریکا با کشورهای هدف طی سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۹ ارزیابی کردند. بررسی ضرایب رگرسیون نشان می دهد که تحریم های گسترده، هزینه هایی بر هر دو طرف تحمیل می کند و در سال ۱۹۹۹ نسبت به سال ۱۹۹۵ هزینه های نسبی این قبیل تحریم ها اندکی کاهش یافته است. ضرایب برآوردشده در خصوص تحریم های محدود و متوسط در سطوح اطمینان معمول، به لحاظ آماری، معنادار نیست حتی این ضرایب در ۱۹۹۹ علامت موردانتظار را از لحاظ نظری ندارد. لاموت^{۱۶} (۲۰۱۲) با استفاده از مدل جاذبه به بررسی اثر جنگ و تحریم بر تجارت بین الملل کشور یوگوسلاوی سابق پرداخت. نتایج بررسی وی نشان داد که جنگ و تحریم سبب کاهش تجارت بین کشورهای هدف و اعمال کننده تحریم می شود و بر سایر کشورها نیز اثر می گذارد که این آثار، چندین سال پس از پایان آن همچنان ادامه دارد. کردسمن و دیگران (۲۰۱۱) در یک بررسی با نام "رقابت راهبردی امریکایی-ایرانی در بازی تحریم: انرژی، کنترل نظامی و تغییر نظام" که بخشی از یک بررسی بلندمدت و چند ساله مرکز بررسی های راهبردی و بین المللی است، کارکرد کشورهای هند، ژاپن، کره، روسیه، چین، ترکیه و کشورهای خلیج فارس در زمینه تحریم ها را بررسی و اثر

^{۱۳} Cordesman

^{۱۴} Farahani and Shabani

^{۱۵} Hafbauer & Oegg

^{۱۶} Lamnote

تحریم‌ها بر بخش نفت و واردات بنزین را همراه تلاش های ایران برای خودکفایی و مقابله با تحریم در این زمینه تحلیل کرده‌اند. تامپسون^{۱۷} (۲۰۱۰) اثرگذاری دور چهارم تحریم های امریکا علیه ایران را در سال ۲۰۱۰ بررسی کرده است. این بررسی نشان داده است که تحریم‌ها بر اقتصاد ایران فشار آورده، ولی در حدی نبوده است که بتواند جلو برنامه هسته‌ای ایران را بگیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاستگذاری اقتصادی سیاسی نفت در سطح بین‌المللی به گونه‌ای است که سیاست های راهبردی و اقداماتی همانند تحریم، موازنه درآمدهای ناشی از فروش نفت و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت براساس ضرورت‌های نظام جهانی شکل می‌گیرد؛ چنین فرایندی به مثابه آن است که قیمت نفت براساس ضرورت‌ها و نشانه های اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد و اینگونه نشانه‌ها به این مفهوم است که نفت در زمره کالاهای راهبردی اقتصاد جهانی و همچنین بازار جهانی کالا قرار دارد. سیاست گذاری اقتصاد نفتی، آثار خود را در حوزه‌های مختلف اقتصادی به جا می‌گذارد. محور اصلی سیاستگذاری اقتصادی نفت را باید براساس راهبردهای اقتصاد جهانی تحلیل کرد که با محوریت آمریکا انجام می‌شود. از آنجا که آمریکا نیروی متعادل‌کننده نهادهای اقتصاد جهانی است، بنابراین از قابلیت لازم برای هماهنگ‌سازی موضوعات مربوط به نفت، اقتصاد، امنیت و قدرت راهبردی کشورهای منطقه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، کشورهایی که در کنترل اقتصاد جهانی نقشی را به عهده دارند، هر اقدام خود را براساس ضرورت های راهبردی تنظیم می‌کنند. چنین فرایندی به معنای آن است که همواره بین اقتصاد، امنیت و الگوهای کنش راهبردی کشورها رابطه‌ای مستقیم و متقابل وجود دارد. سیاستگذاری اقتصاد سیاسی نفت به فرایندهایی مانند تحریم اقتصادی ایران، قیمت بازار جهانی نفت و همچنین ورود تدریجی عراق به بازار اقتصاد نفتی ارتباط دارد.

مذاکرات هسته‌ای را باید بخشی از سیاست گذاری اقتصاد سیاسی نفت دانست. یکی از عواملی که زمینه ایجاد تغییرات سیاسی در روابط بین‌الملل را به وجود آورده، کاهش درآمدهای نفتی ایران بوده است. هرگونه سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی و بین‌المللی

^{۱۷} Reagan Thompson

مربوط به نفت، آثار خود را کشتش بازار جهانی، در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به جا می‌گذارد. در این فرایند در ارتباط با نفت و تأثیر آن بر امنیت جهانی در زمره مؤلفه‌هایی محسوب می‌شود که بر سیاست راهبردی آمریکا در برخورد با ایران تأثیر داشته است. سیاستگذاری تحریم اقتصادی ایران در حوزه انرژی را باید یکی از عوامل مرتبط با اقتصاد و امنیت جهانی در نگرش راهبردی آمریکا و سایر بازیگران مؤثر در اقتصاد جهانی دانست.

این امر براساس معادله انرژی در اقتصاد جهانی انجام می‌گیرد. معادله انرژی همواره رابطه مستقیمی با سایر موضوعات مرتبط با اقتصاد سیاسی بین‌المللی به ویژه اقتصاد سیاسی کشورهای صادرکننده نفت دارد. روندهای جدید در اقتصاد و سیاست جهانی از جمله بحران اوکراین، نقش ایران در نظام بین‌الملل را ارتقاء داده است. در این فرایند، چنانچه صادرات نفت ایران عامل متعادل کننده اقتصاد جهانی و بازار جهانی نفت باشد، در آن شرایط امکان گسترش تحریم های اقتصادی ایران به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت. تحریم اقتصادی و محدودسازی راهبردی ایران، بخشی از سیاست گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تابعی از نیازهای راهبردی اقتصاد جهانی و امنیت بین‌المللی است.

اثرگذاری میان مدت و بلندمدت تحریم‌ها فشار بر سرمایه‌گذاری خارجی و خروج اجباری شرکت‌های بین‌المللی و افت تولید نفت به تبع آن را شامل می‌شود. محدودیت های شدید مالی و ممانعت از واردات نفت از ایران سبب گردیده تا فشار بر درآمدهای نفتی ایران به عنوان اثر کوتاه مدت تحریم ها بویژه در ماه های اخیر که با ممانعت صدور پوشش بیمه‌ای تانکرهای حامل نفت ایران همراه گردیده محسوس‌تر گردد.

علی‌رغم اینکه پاسخ کاملاً روشنی از میزان اثرگذاری تحریم‌های علیه ایران و بویژه تحریم های نفتی وجود ندارد اما آنچه واضح است این است که تحریم های مذکور به عنوان ابزارهای فشار بر ایران در جهت دستیابی به اهداف نهایی ایالات متحده یعنی تغییر رفتار سیاسی ملت و نظام جمهوری اسلامی و توقف فعالیت های هسته‌ای ایران موفق نبوده و عمدتاً باعث فراهم آوردن فضایی مناسب برای شرکای ایران در شرق آسیا گردیده تا از فرصت بوجود آمده به لحاظ اقتصادی بهره مند شوند. به نظر می‌رسد هزینه عمده تحریم های نفتی بر اقتصاد ایران را می‌توان تحت فشار بودن ایران در

معاملات نفتی خود با شرکای تجاری از جمله اعطای امتیازاتی در دریافت بهای نفت فروخته شده مشاهده نمود.

افزایش هزینه مبادله، افزایش هزینه های تأمین مالی پروژه های سرمایه گذاری به تبع افزایش هزینه مبادله ناشی از تحریم ها، کاهش امنیت سرمایه گذاری و خروج شرکت های بین المللی با کیفیت فنی و تکنولوژیکی بالا از پروژه های نفت و گاز نیز از دیگر تبعات تحریم ها محسوب می گردد. ضمن این که محاسبات نشان می دهد که کاهش درآمدهای نفتی کشور از تبعات تحریم های نفتی است محسوس می باشد (صیادی و برکشلی، ۱۳۹۱).

منابع

۱. احمدخان بیگی، سمانه (۱۳۹۰). گزارش ارزیابی تحریم های حقوق بشری آمریکا و اروپا علیه ایران، دفتر مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۷-۰۷-۱۳۹۰.
۲. آذربایجانی، کریم، طیبی، سید کمیل؛ صفا درگیری، حلیمه (۱۳۹۴). اثر تحریم های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر تجارت دوجانبه ایران و شرکای تجاری آن: کاربرد مدل جاذبه، تحقیقات اقتصادی، ۳(۵۰)، ۵۳۹-۵۶۲.
۳. اژدری، سرور؛ حسینزاده، مجتبی (۱۳۹۲). بررسی تحریم اقتصادی ایران با نگاهی به تجارت خارجی، کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
۴. آقایی، مجید؛ رضاقلی زاده، مهدیه؛ محمدرضایی، مجید (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تحریم های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری، فصلنامه ی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی.
۵. آل کجباف، حسین؛ انصاریان، مجتبی (۱۳۹۳). تأثیر تحریم های یک جانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی، فصلنامه حقوق پزشکی، ۸(۲۹).

۶. امین زاده، الهام؛ خداپرست، ناصر (۱۳۹۱). نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ۶۰، ۱۵-۳۶.
۷. بخشایش، الهام؛ مصطفائی، هاجر (۱۳۹۲). بررسی آثار تحریم های اقتصادی بر دو صنعت نفت و گاز در ایران، کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم.
۸. بقالیان، محبوبه؛ آماده، حمید؛ علیزاده، امیرخادم (۱۳۹۳). تأثیر تحریم های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران، دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
۹. راجی، سامان؛ رحیمی، صالح (۱۳۹۴). بررسی آثار رفع تحریم های اقتصادی بر صنعت دارویی ایران، دومین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی.
۱۰. شاه آبادی، ابوالفضل؛ بهاری، زهره (۱۳۹۳). تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، فصلنامه ی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۶)، ۷۲-۵۳.
۱۱. صیادی، محمد؛ برکشلی، فریدون (۱۳۹۱). اثرات کوتاه مدت و بلندمدت تحریم های بین المللی نفتی بر بخش انرژی ایران، گزارش راهبردی، ۱۵۵.
۱۲. ضیائی بیگدلی، محمدتقی؛ غلامی، الهام؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۹۲). بررسی اثر تحریم های اقتصادی بر تجارت ایران: کاربردی از مدل جاذبه «، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، بهار، دوره سیزدهم.
۱۳. عزتی، موتضی؛ سلمانی، یونس (۱۳۹۳). بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد، فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت، ۷(۲۵).
۱۴. عزیزنژاد، صمد؛ سیدنورانی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی «، مجلس و پژوهش، سال شانزدهم، ۶۱، ۲۱۰-۱۶۵.

۱۵. فدائی، مهدی؛ درخشان، مرتضی (۱۳۹۴). تحلیل اثرات کوتاهمدت و بلندمدت تحریمهای اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، ۵، ۱۱۳-۱۳۲.

۱۶. کازرونی، سیدعلیرضا؛ اصغرپور، حسین، خضری، اوین (۱۳۹۵). بررسی اثر تحریمهای اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۹۲، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۷۹، ۱-۳۳.

۱۷. مهدوی عادل، محمدحسین؛ قزلباش، اعظم؛ دانش‌نیا، محمد (۱۳۹۱). اثر قیمت نفت بر متغیرهای عمده کلان اقتصاد، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، ۱(۳)، ۱۳۱-۱۷۰.

۱۸. نهبان‌دیان، محمد؛ لطفی، محمد؛ رهبر، فرهاد (۱۳۹۰). جایجایی شرکای تجاری به عنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی تحریمهای اقتصادی، پژوهش‌های مدیریت منابع، ۱(۴)، ۱۵۹-۱۸۱.

۱۹. Cordesman, Anthony H. and Bosserman, Bradley and D'Amato, Jordan and Gagel, Andrew C. (۲۰۱۱) U.S. AND IRANIAN STRATEGIC COMPETITION, The Sanctions Game: Energy, Arms Control, and Regime Change, center for strategic and international studies, October ۰۶, ۲۰۱۱.

۲۰. Cordesman, Anthony H. and Gold, Bryan and Khazai, Sam and Bosserman, Bradley (۲۰۱۳) U.S. AND IRANIAN STRATEGIC COMPETITION: Sanctions, Energy, Arms Control, and Regime Change, center for strategic and international studies, January ۲۲, ۲۰۱۳.

۲۱. Eyler, R. (۲۰۱۷); *Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work*, Palgrave Macmillan.

۲۲. Farahani, Banafsheh M. and Shabani, Maryam (۲۰۱۳) The Impact Of Sanctions On Iran's Tourism, The Open Access Journal of Resistive Economics (OAJRE)/ Economic, Sanctions/Volume ۰۱, Number ۱, ۲۰۱۳ Published Online August ۲۰۱۳.

۲۳. Frank, J. (۲۰۱۷). The empirical consequences of trade sanctions for directly and indirectly affected countries. *FIW Working Paper*, ۱۷۴.

۲۴. Hufbauer, G. C.; Jeffrey J. schott; Elliott, K. A. & Oegg, B. (۲۰۱۷); *Economic Sanctions Reconsidered*, ۳rd Edition, Institute for International Economics, Washington DC.

۲۵. Hufbauer, Gary Clyde & Oegg, Barbara. (۲۰۱۳). "The Impact of Economic Sanctions on U.S. Trade: Andrew Rose's Gravity Model", International Economics Policy Brief ۰۳-۴, *Institute for International Economics*, Washington. PP ۱-۲۴.

۲۶. Institute International Pour (۲۰۱۳) The impact of sanctions on Iranian people healthcare, September ۲۰۱۳ Version ۱,۱.

۲۷. Jin, Wang, Honggang, Wang . (۲۰۰۸). "The Iran Nuclear Issue In Sino- US Relation", Contemporary International Relation, Volume ۱۷. Nnnumber ۵. ۲۰۰۷ Available at www.cwanfangdata.com.cn/periodicalxdgigxe.aspx. ۲۰۰۸-۰۷-۱۹.

۲۸. Lamotte, Olivier. (۲۰۱۲). "Disentangling the Impact of Wars and Sanctions on International Trade: Evidence from Former Yugoslavia", *Comparative Economic Studies*, PP ۱-۲۷.

۲۹. Malonel, David M. and Nitzchke, Heiko. (۲۰۰۵). Economic Agendas in Civil Wars, What we know, what we need to know. Discussion Paper, No. ۲۰۰۵/۰۷, Finland, Wider/April ۲۰۰۵/۰۷.

۳۰. Moret, Erica S. (۲۰۱۴) Humanitarian impacts of economic sanctions on Iran and Syria, European Security, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۹۶۶۲۸۳۹, ۲۰۱۴, ۸۹۳۴۲۷.

۳۱. Zuckerman, Mortimer B. (۲۰۱۰). Steps to Stop Iran From Getting a Nuclear Bomb", **US News & World Report**, ۲۵ June. ۲۰۱۰.

The role of future US oil sanctions in the economy of the Islamic Republic of Iran and the ways to deal with it

Mehdi Yidolahi, Iraj Deliri, kamel Kiani

Abstract

Oil is considered as a trace of Iranian economy. In fact, Iran's economy is an oil-dependent economy. As a result, fluctuations in production, exports, and prices of oil make the economic indicators shake away and affect the fluctuations. After the Islamic Revolution in Iran, a lot of sanctions have been imposed by the United States on Iran. One of the most important of these sanctions is the oil embargo imposed recently by the US government on Iranian industry. In this paper, after expressing the literature and theoretical foundations, and a brief explanation of the research background, we will examine the recent US sanctions against Iran and propose solutions to this boycott.

Keywords: sanctions, oil, economy, Islamic Republic of Iran, coping strategies